بسم الله الرحمن الرحیم

جلسه15- موضوع: درس خارج اصول حضرت آیت الله عندلیب همدانی - حجیت علم اجمالی تاریخ: 5/9/96

حجیت علم اجمالی، بررسی مبنای مرحوم آخوند و مرحوم خویی رحمه الله علیهما

مرحوم آخوند قائل شدند که علم اجمالی اقتضاء حرمت مخالفت قطعیه دارد چنانکه اقتضاء وجوب موافقت قطعیه دارد. در برابر گروهی که معتقدند علم اجمالی هم در حرمت مخالفت قطعیه و هم در وجوب موافقت قطعیه علت تامه است و هم در برابر کسانی که مثل شیخ اعظم تفصیل می دهند می گویند علم اجمالی بالنسبه به حرمت مخالفت قطعیه علیت تامه دارد و نسبت به وجوب موافقت قطعیه اقتضاء دارد. مرحوم آخوند در برابر این دو گروه قائل شدند به اقتضاء مطلقا. یکی از مبانی اساسی نظریه ی مرحوم آخوند که تا آن درست نشود مبنای اقتضاء درست نمی شود جمعی است که مرحوم آخوند بین حکم واقعی و حکم ظاهری دارد. می دانید که در کیفیت جمع بین حکم واقعی در لوح محفوظ با حکم ظاهری مستفاد از امارات و اصول مباحثی مطرح است. نماز جمعه در واقع واجب باشد از اماره ای عدم وجوب جمعه استفاده شد یا وجوب ظهر استفاده شد. چه باید کرد؟ دو تا حکم داریم یک در لوح محفوظ (صلاه الجمعه واجبه) یک در ظاهر (صلاه الظهر واجبه) مرحوم آخوند می فرماید آن حکمی که در لوح محفوظ است و مقید به علم هم نیست چه مکلف بداند چه مکلف نداند، آن حکم هست، آن حکمی که علماء ما می گویند مشترک بین العالم والجاهل، حکم انشائی است. حکمی است که هنوز از مرحله ی انشاء بیرون نیامده و به مرحله ی فعلیت نرسیده است. آن حکمی که گریبان گیر مکلف است حکمی است که به فعلیت رسیده است. حکم ظاهری حکمی است که مرتبه ی انشاء را گذرانده به مرتبه ی فعلیت رسیده و این الان حکم فعلی مکلف است چه این حکم ظاهری مطابق آن حکم الله واقعی باشد چه نباشد. جمع بین ضدینی بوجود نمی آید چون دو مرتبه است. اگر حکم الله واقعی مثلا وجوب سوره در نماز بود و حکم ظاهری عدم وجوب السوره بود اینجا اجتماع نقیضین نیست. چه آن وجوب و حرمت و چه این وجوب و عدم وجوب مرتبه ها فرق کرده است.

حالا بر طبق این مبنای صاحب کفایه هیچ مشکلی ندارد که بگویم علم اجمالی دارم به وجوب الف یا باء و شارع هم بیاید هم در الف هم در باء تلخیص بدهد. علم اجمالی به وجوب الف یا باء گویا همان حکم الله واقعی است. هیچ مانعی ندارد شارع بیاید در هر دو ترخیص بدهد منتهی نه ترخیص واقعیا که بگویید این احتمال اجتماع ضدین یا نقیضین است. مانعی ندارد در لوح محفوظ الف واجب باشد من هم علم اجمالی دارم به وجوب الف یا باء اما در عالم ظاهر نه الف واجب باشد نه باء. پس اگر مبنای آخوند نباشد این ترخیص اینجا ممکن نیست.

مرحوم خویی کلامشان دو رکن دارد.یک رکن کلامش این است که در قبح مخالفت، وصول تکلیف شرط است ولی در وصول که همان عباره اخری در علم است، وصول تفصیلی لازم نیست وصول اجمالی هم کافی است.

رکن دوم کلام ایشان جمعی است که ایشان بین حکم واقعی و حکم ظاهری دارد چون نحوه ی جمع ایشان بین حکم واقعی و ظاهری با اونی که در کفایه است متفاوت است. اساسا ایشان این چند مرحله کردن حکم را که در کفایه آمده نمی پذیرد. می گوید حکم دو مرحله بیشتر ندارد یکی جعل (انشاء) یکی هم فعلیت.

اما مرتبه ی جعل هیچ مشکلی ندارد شارع بگوید یجب و یحرم. جعل یک امر اعتباری است. در مرحله ی جعل مشکلی ندارد. در مرتبه ی ابراز هم اشکالی ندارد. اشکال از آنجا شروع می شود که شارع را حکیم می دانیم و جعلشان را هم می خواهیم بگوییم حکیمانه است و آن وقتی است که مصالح و مفاسدی باشد آنچه باعث می شود در فقه نتوانید بگویید جمعه واجب است و جمعه حرام است جعل خالی نیست بلکه آنکه باعث حکم شده مصالح و مفاسد خارجیه است. این مفسده و مصلحت با هم جمع نمی شوند. این تضاد در ناحیه ی مبدأ حکم است. یک اشکال هم از ناحیه ی منتهی (مرحله ی امتثال) بوجود می آید.

حالا در شبهه ی بدویه شک داریم این لیوان نجس است یا نه برائت جاری می کنیم. اینجا شاید نجس باشد چطور برائت جاری می کنید؟ جواب این است که اساسا نوبت به این حکم ظاهری نمی رسد مگر وقتی شک در حکم واقعی بکنیم. پس هیچ جمع بین ضدینی در ناحیه مبدأ یا منتهی بوجود نمی آید.

اما حضرت آقای آخوند این را در علم اجمالی نمی توان گفت. در علم اجمالی با مشکل مواجه می شویم چون علم است و وصول و در وصول فرقی بین تفصیل و اجمال نیست. چطور می آیید هم از وجوب الف هم از وجوب باء اصاله البرائه جاری می کنید؟ این یعنی در عین آنکه به من رسیده است اما الف واجب است اما باء، بگوییم نه الف واجب است نه باء. اینجا نمی توان جمع بین حکم واقعی و ظاهری کرد. وقتی وصول اجمالی محقق شده چطور می توانید بگویید یا الف واجب است یا باء و نه الف واجب است نه باء ظاهرا. این را نمی توانید بگویید. پس علم اجمالی علیت دارد برای حرمت مخالفت قطعیه و قابل ترخیص نیست. آقای آخوند اشکال کار شما در اینجا بود که آن مرحله بندی را برای حکم انجام دادید و گفتید تا یک حکمی معلوم عند المکلف نشود، فعلیت پیدا نمی کند. علم را شرط فعلی بودن حکم گرفتید. در حالیکه حکم دو مرحله داشت، انشاء و فعلیت. در هیچ یک از مراحل دو گانه ی انشاء و فعلیت علم مدخلیت ندارد. نهایتا علم در تنجز حکم مدخلیت داشته باشد نه در خود ماهیت حکم. ماهیت حکم انشاء است و فعلیت. اساسا نمی توانیم علم را مأخوذ در موضوع حکم بکنیم تا بگوییم تا وقتی علم نیامده فعلیت نیامده و بعد هم علم را فقط منحصر کنیم به علم تفصیلی. نه علم منحصر است به علم تفصیلی نه فعلیت حکم منوط به علم است. بنا براین علم اجمالی با این توضیحی که دادیم آن راه حل شما در جمع بین حکم واقعی و ظاهری مفید نبود. علم اجمالی وصول است و وصول که آمد حکم فعلی با تحقق موضوع داریم و تنجز هم دارد از یک طرف یا ظهر واجب است یا جمعه از طرفی نه ظهر واجب است نه جمعه. اینها قابل اجتماع نیستند نه در ناحیه ی مبدا و نه در ناحیه ی انتها و امتثال.

والحمد لله و صل الله علی محمد و آله الطاهرین و عجل فرجهم